

مقدمه‌ای بر شهرنشینی

پیدایش شهر به نخستین تمدن‌های بشری بر می‌گردد؛ یعنی به ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد از زمانی که انسان دگرگونی بزرگ را در فرهنگ به وجود آورد. سپس عوامل دیگری چون انقلاب کشاورزی، رواج گرفت و داد و ستد و تجارت، اختراع خط و عوامل سیاسی، اداری، نظامی و مذهبی باعث تکامل و پیشرفت شهرها شد. (شکیبا مقدم ۱۳۸۷، ۴۰)

انقلاب صنعتی به عنوان نیروی محرک باعث دگرگونی ساختار شهر شد و تحولات شگرفی در حیات اجتماعی شهر به وجود آورد. ایجاد شهرها را می‌توان دومین انقلاب بزرگ در فرهنگ انسان دانست؛ زیرا باعث دگرگونی روابط متقابل میان انسانها شد. افزایش جمعیت و بهره‌برداری از محیط، گام‌های اولیه برای شهرنشینی بود.

شهر را باید به عنوان یک شکل ساخته شده و شهرنشینی را به عنوان یک شیوه زندگی، جدا از یکدیگر بررسی کرد؛ چرا که در واقعیت هم، این دو از یکدیگر تفکیک شده‌اند. شهرنشینی را باید به صورت مجموعه‌ای از روابط اجتماعی در نظر گرفت که روابطی را که در جامعه به عنوان یک کل وجود دارد منعکس می‌کند. این مجموعه روابط اجتماعی باید دارای قوانینی باشد که طبق آن‌ها شهر ساخت می‌یابد، نظم می‌گیرد و ساخته می‌شود.

ماهیت و تعریف شهر در ایران

شهر به آبادی بزرگی گفته می‌شود که در آن خیابان‌ها، کوچه‌ها، خانه‌ها، دکان‌ها و نفوس بسیار باشد. این تعریف لغوی است و جامع و مانع نیست. از منظر شهرسازی، شهرها کانون‌هایی هستند که در آن‌ها آدمی به تصرف و استفاده از کره خاک دست یافته است، که هم بر نواحی اطراف خود تأثیر می‌گذارد و هم از آن متأثر می‌شود و نمودار احتیاجات اقتصادی و اجتماعی آدمی هستند و براساس این احتیاجات بسط و توسعه می‌یابند.

از دیدگاه جامعه‌شناسی شهر منطقه جغرافیایی است که دارای جمعیت شخصی بوده و تراکم جمعیت در آن وجود داشته و افراد در آن به امور غیرکشاورزی اشتغال داشته باشند و

چنین مناطقی عمدتاً دارای شهرداری می‌باشند. این تعریف با ماده ۴ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۲/۴/۱۵ مطابقت ندارد. به موجب این ماده، «شهر محلی است با حدود قانونی که در محدوده جغرافیایی بخش واقع شده و از نظر بافت ساختمانی، اشغال و سایر عوامل دارای سیمایی با ویژگی‌هایی خاص خود بوده، بطوری که اکثریت ساکنان دائمی آن در مشاغل کسب، تجارت، صنعت، کشاورزی، خدمات و فعالیت‌های اداری اشتغال داشته و در زمینه خدمات شهری از خودکفایی نسبی برخوردارند و کانون مبادلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حوزه جذب و نفوذ پیرامون خود بوده و حداقل دارای ده هزار نفر جمعیت باشد». براساس این تعریف شهر، دارای چهار خصیصه مهم و اساسی است:

الف) از نظر موقعیت جغرافیایی در محدوده بخش واقع شده است (از به هم پیوستن چندین روستا و شهر بخش تشکیل می‌شود)

ب) اکثریت سکنه شهر به امور تجارت، صنعت، کشاورزی و خدمات اشتغال دارند از این جهت ممکن است شغل ساکنین آن کشاورزی هم باشند.

ج) شهر کانون جذب حوزه پیرامون خود بوده و بر این اساس نوعی مرکزیت سیاسی و اجتماعی نسبت به مناطق پیرامون خود دارد.

د) حداقل جمعیت شهر ده هزار نفر می‌باشد. این ملاک مطلق نیست و ممکن است بدون رعایت نصاب فوق، شهر تشکیل گردد.

طبق دستور العمل اجرایی تبصره ۵ الحاقی، پیشنهاد تأسیس شهرداری از طرف استانداری‌ها به وزارت کشور ارائه می‌گردد. استانداری‌ها موظفند به منظور تأسیس شهرداری، شرایط لازم مندرج در این دستورالعمل را تأمین کنند. سپس کارشناسان معاونت سیاسی و اجتماعی و معاونت هماهنگی و امور عمرانی وزارت کشور از محل بازدید نموده و وجود شرایط تبدیل روستا به شهر را بررسی می‌نمایند. شروطی که به منظور تبدیل روستا به شهر مورد بررسی قرار می‌گیرد و البته مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی نیز لحاظ شده و سپس در صورت نظر موافق، مراتب از سوی دفتر تقسیمات کشوری به هیأت دولت ارائه می‌گردد. سپس موضوع در هیأت دولت بررسی و در صورت تصویب، موضوع به استانداری برای تأسیس شهرداری درون منطقه سکونت‌گاهی ابلاغ می‌گردد.